

خسروپناه در جمع دانشگاهیان دانشگاه علوم پزشکی کرمان:

محققان حوزه و دانشگاه در موضوع حکمرانی گفت‌وگو کنند

فرهیختگان بیست‌وهفتم آذرماه، یادآور شهادت استاد

بزرگ حوزه و دانشگاه آیت‌الله مفتح است. شهیدی که تلاش‌های بسیاری در راستای پیوند علمی دانشگاه و حوزه به‌عنوان دو نهاد تولید‌کننده علم و اندیشه داشت و به پاس این مجاهدت‌ها، سالروز شهادت این استاد فرزانه به‌عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه لقب گرفت. اگرچه طی دهه‌های متمادی پیش از انقلاب اقدامات و اتفاقات درخور توجهی برای نزدیکی این دو نهاد علمی صورت گرفته اما فاصله ما تا تحقق آرمان‌ها هنوز راه طولانی طی نشده‌ای را نشان می‌دهد. گفتار پیش‌رو، صحبت‌های خسروپناه از اساتید حوزه و معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی در جمع دانشگاهیان دانشگاه علوم پزشکی کرمان است که چند روز قبل به بیان الزامات تحقق وحدت حوزه و دانشگاه پرداخته است.

به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه و هفته پژوهش و فناوری به پژوهشگران، دانشجویان و محققان عرصه علم و فناوری که دانش را به جامعه پیوند می‌زنند و علم را به حکمت تبدیل می‌کنند تبریک می‌گویم. از دانشجویان علم پزشکی به‌خصوص دانشگاه علوم پزشکی کرمان که استادان فرزانه و فرهیخته که در رشد و توسعه علم نقش موثری داشتند خداحوت می‌گویم. مخصوصا به پزشکان و پرستاران این استان که در کمک به بیماران کرونایی شبانه‌روز تلاش کردند. گرامی می‌دارم سالگرد شهادت شهید آیت‌الله دکتر مفتح را که به‌عنوان یک شخصیت ارزشمند نظری و عملی در وحدت حوزه و دانشگاه تلاش کردند و مظلومانه به شهادت رسیدند. می‌دانید که سه تیم به دنبال ترور ایشان بودند، زخمی‌اش کردند و محافظانش را به شهادت رساندند؛ بعد ایشان با همان وضع جراحت خود را به دانشکده الهیات رساند و آنجا تیم سوم که منتظرش بودند او را درنهایت به شهادت رساندند. یاد این شهید بزرگوار و همه شهدای حوزه و دانشگاه را گرامی می‌داریم.

گفت‌وگو؛ راه‌حل وحدت حوزه و دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه از طریق گفت‌وگو موضوع بحثی است که در این نشست عنوان می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم وحدت حوزه و دانشگاه یعنی تعامل بین حوزویان و دانشگاهیان در مسیر پیشرفت ایران اسلامی. اما طریق راه و روش این تعامل و همکاری چیست؟ گفت‌وگو راه آن است. گفت‌وگوی عقلانی، گفت‌وگوی علمی و گفت‌وگوی حکمرانی سه نوع گفت‌وگو است که به آن اشاره می‌شود. گفت‌وگوی عقلانی؛ جا دارد بین عقلانیت سنتی و اسلامی و عقلانیت مدرن گفت‌وگویی اتفاق بیفتد. عمدتا علوم دانشگاه، علوم دنیای مدرن است. با اینکه در دانشگاه هم رشته‌های جدید، کلام و فلسفه هم هست و از دوران سنت به اینجا رسیده است، اما عمده علوم ازجمله علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم مهندسی و چه علوم پزشکی از دنیای مدرن آمده است و حتی ساختار دانشگاه هم ساختار مدرن است. منظور از مدرن هم جدید نیست چون به‌رحال مدرنیته از اواخر قرن پانزدهم شکل گرفت و قرن شانزدهم و از قرن هفدهم هم تحولات علمی فلسفی، قرن هجدهم انقلاب صنعتی، قرن نوزدهم انقلاب‌های ایدئولوژیکی و قرن بیستم هم که اوج تحولات علمی است و در اواخر قرن بیستم شاهد تولید و کشف و رشد چهار دسته علوم نوین یعنی نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، علوم شناختی و علوم اطلاعات و فناوری هستیم. این علوم مدرن عمدتا در دانشگاه‌ها آمدند و به‌عنوان علوم مدرن مطرح است. عقلانیتی حاکم بر این علوم است به نام عقلانیت مدرن؛ کم‌اینکه در علوم سنتی و علوم اسلامی هم عقلانیتی حاکم است که به آن عقلانیت سنتی می‌گویند و با عقلانیت مدرن تفاوتی دارد. عقلانیت مدرن را عقلانیت «خودبنیاد» می‌گویند. مدرن اصلا به معنای جدید نیست سنت هم به معنای قدیم نیست. هر که این را می‌گوید متوجه نیست. برای اینکه الان سنت در اروپا، آمریکا، ژاپن و چین هم هست و هنوز دارد. مدرن هم از اواخر قرن پانزدهم شروع شده و بیش از ۵ قرن مدرنیته شکل گرفته است اصطلاح مدرن و مدرنیته در قرون وسطی به کار رفته است، ولی جریان مدرنیته از اواخر قرن پانزدهم تا الان هست و هنوز هم ادامه دارد و اگر هزار سال دیگر هم ادامه پیدا کند باز هم مدرن است ولی چه مدنی است به معنای جدید و معنای قدیم نمی‌شود سنت هم غیر از اولد (old) است این ترجمه‌های غلط باعث بد فهمی می‌شود. باعث می‌شود که جنگ‌های بی‌خودی شکل بگیرد. عقلانیت مدرن یعنی عقلانیتی که از اواخر قرن پانزدهم و قرن شانزدهم پذیرفته شده؛ آن عقلانیت چیست؟ عقلانیت خودبنیاد است؛ یعنی عقل بسندگی را پذیرفت حالا این عقل در قالب آمپریز و تجربه‌گری اضافه شود یا در قالب رایسونالیستی و عقل استدلالگر یا به آن (ریزن-rizen) می‌گویند از آن استدلال شود یا در چارچوب تجربه مطرح شود. لذا عقلانیت مدرن درفراسه به‌گونه‌ای است که استدلالی سنتی و مبتنی بر فطرت است. در انگلیس عقلانیت تجربی و آمپریستی است که اصلا فطرت و ظریبات را قبول ندارد و در آلمان که عقلانیت عقلانیت است و کانت آن را مطرح کرده تازه قبل از این سه کشور، اصل عقلانیت مدرن در قرن شانزدهم از ایتالیا شروع شده فلذا تحول مدرنیته در ایتالیا است لذا پروتستان در ایتالیا شکل گرفت. عقلانیت مدرن در قرن شانزدهم توسط لوتر و کالون و تحولات هنری توسط

دانشگاه



پروتستان و عقلانیت مدرن روح سرمایه‌داری است و به همین خاطر با کاپیتالیسم افراطی ویر مخالف است.

وحدت حوزه و دانشگاه با بخشنامه و سخنرانی درست نخواهد شد

وحدت حوزه و دانشگاه با آیین‌نامه و بخشنامه درست نمی‌شود که سندی نوشته شود و در آن حوزه و دانشگاه چیزی اتفاق نمی‌افتد یا در هفته وحدت حوزه و دانشگاه یک مباحثه و گفت‌وگویی امثال حقیر انجام دهند و تمام؛ نه حوزه و دانشگاه باید با هم گفت‌وگو کنند. گفت‌وگوی اول گفت‌وگوی عقلانی است، یعنی عقلانیت مدرن با عقلانیت سنتی باید گفت‌وگو کنند چون به هم نیازمندند و حاجتمندند و به هم کمک می‌کنند نقایض‌شان را برطرف کرده و از کمال یکدیگر می‌توانند بهره‌برند.

حوزه گفت‌وگوی علوم سنتی و علوم مدرن خطای عقلانیت مدرن است

گفت‌وگوی دوم گفت‌وگوی علمی است. علوم سنتی با علوم مدرن باید گفت‌وگو کنند. این حرکتی که در اواخر قرن پانزدهم انجام شد و آن پزشک معروف آمد و گفت باید ما با تحقیقات آزمایشگاه و شیمی پزشکی را دنبال کنیم و قانون بوعلی سینا را آتش زد یعنی گفت‌وگوی علوم سنتی و علوم مدرن واقع‌کرد و خطای بزرگی کرد. همین شخصی که در ایران آمد یک مرجع پزشکی را آتش زد این هم به دنبال قطع علوم سنتی و علوم مدرن است این هم خطای بزرگی است. علوم حاصل عقل بشریت است. بشر در هزاران سال پیش تجربه خوبی داشته. آیا عقلانی است که تجربه‌های نتیجه‌بخش عقلی گذشته را کنار بزنیم. این کنار زدن عین بی‌عقلی است. به بهانه تجدد و مدرنیته کل گذشته را کنار بزنیم یا به بهانه‌ای که میراث گذشته‌ای داریم از میراث جدید و مدرن استفاده نکنیم هر دو غیر عقلانی است. اخیرا بحثی با عنوان تمایز مبانی طب سنتی و طب مدرن در یکی از میاحتم وجود داشت که فایل آن را می‌توانم در اختیارتان بگذارم. طب سنتی براساس (مزجه اربعه، طبایع اربعه و اخلاط اربعه) شکل گرفته. آن هم مبتنی بر مساله نفس بدن که علم نفس، فلسفی و مبتنی بر مباحث فلسفی و حکمی است. یعنی قانون بوعلی سینا با طبیعیات پیوند دارد، طبیعیات ابن سینا با فلسفه اولا و الهیات ابن سینا پیوند دارد. البته می‌دانید طب سنتی فقط برای ابن سینا و دکربای رازی بسنده نشد. بعدها بزرگانی مثل عقیلی و ذخیره خوارزمشاهی آمدند و کارهای بزرگی هم انجام دادند. طب مدرن هم که مبتنی بر مولکول، سلول و نگاه ریزبینانه است عضونگرانه، ریزبینانه یا ابزار مهندسی دقیقی که در پزشکی در اختیار دارد ریزترین سلول‌ها و مولکول‌های بدن را شناسایی می‌کند و به درمان می‌پردازد، پاتالوژی کرده و بیماری را شناسایی می‌کند و درمان معمولا با داروهای شیمیایی است. این دو دانش است که در ایران یا بعضا در کشورهای اسلامی دیگر سنتی و طب مدرن هم گفت‌وگو اتفاق می‌افتد. طب مدرن چیست، ما که نباید به عقب و به قدیم برگردیم. متأسفانه حرف‌های غیرعقلایی می‌زنند و از این طرف یک عده از طب سنتی سخن می‌گویند برخی‌ها از طب اسلامی یک چیزایی از قرآن و سنت درمی‌آورند. حتی طب سنتی امثال زکریای رازی و بوعلی تحفه سعدیه و قطب‌الدین شیرازی را هم قبول ندارند، یعنی از آن طرف افتادند. اگر گفت‌وگو بین عقلانیت سنتی و عقلانیت مدرن اتفاق بیفتد، گفت‌وگو بین علوم سنتی و علوم مدرن هم اتفاق می‌افتد، بین طب سنتی و طب مدرن هم گفت‌وگو اتفاق می‌افتد. طب مدرن می‌تواند در تحقیقات طب سنتی کمک کرده و طب سنتی را بالنده کند. طب سنتی با نگاه کل‌نگرانه‌اش می‌تواند به طب مدرن کمک کند. می‌دانید که طب گیاهی در آلمان نزدیک به ۱۴۰ سال است که شروع شده و الان چقدر

پیشرفت کرده است. بزرگ‌ترین آزمایشگاه تیپ سه و تیپ چهار در آلمان وجود که تحقیقات در حوزه داروهای گیاهی انجام می‌دهد یعنی آلمان بزرگ‌ترین تولیدکننده داروهای شیمیایی در جهان است. در همه چیز شیمیایی است؛ از بمب شیمیایی گرفته تا داروی شیمیایی و کود شیمیایی. آلمان جزء پیشرفته‌ترین کشورهاست و به طب گیاهی هم پرداخته و حتی پزشکان به‌بیماران یک درصد قابل توجهی باید داروی گیاهی و درصد کمی داروی شیمیایی تجویز کنند.

معنای گفت‌وگو، پذیرش نیست؛ همیشه هم تکامل نیست

برخی نسخه‌های خطی طب سنتی از کتابخانه‌های آمریکا و آلمان به دستم رسیده؛ آنان کتاب‌های سنتی را شناسایی و کار می‌کنند و تصحیح کرده و چاپ می‌کنند. این یعنی گفت‌وگوی طب سنتی با طب مدرن. علم‌الزراع سنتی با علوم کشاورزی مدرن گفت‌وگو کنند قطعا به نیاز بشر می‌تواند پاسخ بهتری بدهد. بین علوم انسانی مدرن؛ روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت؛ علوم اسلامی که فقه الاقتصاد فقه و سیاست، فقه و تربیت دارد و امثال آنها بنشینند با هم گفت‌وگو کنند. معنای این گفت‌وگو پذیرش نیست، همیشه هم تکامل نیست؛ یک جایی نقد است؛ زایش گفت‌وگو تبیین، تحلیل، تکمیل و نقد است. اما اگر علوم مدرن بخواهد با علوم سنتی قهر کند و علوم سنتی اسلامی با علوم مدرن قهر کند وحدت بین حوزه و دانشگاه دقیق شکل نمی‌گیرد.

حوزه و دانشگاه باید گفت‌وگوی حکمرانی داشته باشند

گفت‌وگوی حکمرانی حوزویان و دانشگاهیان سومین گفت‌وگو است. پیش‌فرض غلطی است که گفته می‌شود وظیفه حوزه و دانشگاه آموزش و پژوهش است. این غلط است و هیچ جای دنیا این طوری نیست. قطعا نهاد دانشگاه و نهاد حوزه به آموزش و پژوهش و تولید علم باید بپردازند. اما نقش مهم دیگری که باید حوزه و دانشگاه داشته باشند در حکمرانی است. معنای حکمرانی این نیست که حوزویان و دانشگاهیان مناصب حکومتی را به دست بگیرند. اصلا مقصود این نیست. البته خودبه‌خود می‌گیرند؛ اکثر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه هستند و تعدادی هم از حوزه هستند. بحث من در حکمرانی مناصب حکومتی حکمرانی قبل از مناصب است. مناصب باید ذیل حکمرانی قرار بگیرد. حکمرانی چیست؟ حوزه و دانشگاه باید گفت‌وگوی حکمرانی داشته باشند. حکمرانی سه رکن راهبردنگاری، قانون‌نویسی و ساختارسازی دارد. همه معقول‌ها هم حکمرانی دارند، حکمرانی امنیتی داریم یعنی باید داشته باشیم و در دنیا وجود دارد، حکمرانی سلامت هست، حکمرانی سلامت غیر از آن چیزی است که مثلا وزارت بهداشت در ستاد کرونا انجام می‌دهد. حکمرانی سلامت باید جایگاهش قبل از وزارت بهداشت باشد و لو از پزشکان هم باید در آنجا حضور داشته باشند. قطعا در بحث سلامت پزشکان باید اظهارنظر کنند. حکمرانی سلامت به وزارت بهداشت جهت می‌دهد. حکمرانی تعلیم و تربیت به وزارت علوم و آموزش و پرورش جهت می‌دهد. حکمرانی راهبردنگاری و قانون‌نویسی و ساختارسازی است. راهبردنگاری یعنی استادی که نوشته می‌شود؛ یعنی سند سلامت، سند تعلیم و تربیت؛ سند نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی، سند مهندسی فرهنگی، سند انتخابات و... یعنی اصول راهبردی، احکام راهبردی. قانون‌نگاری یعنی قوانینی که مترتب بر راهبردهاست که معمولا مجلس باید مصوب کند. کار مجلس است ابلاغ می‌کند و کمیسیون‌ها به صحن علنی مجلس می‌آورند یا گاهی دولت لایحه می‌دهد و مصوب و ابلاغ می‌کنند تا اجرا شود.

